

عوامل عینی و ذهنی | تکامل شخصیت فرد انقلابی

درواه ایجساد امنیت و آرامش

(قسمت دوم)

برژنسکی ها ، تا چر ها و بیگن ها، هواهاوند ها برسیده می توانیم که از چنه زما نی هوای «دفاع از اسلام» بسر شان زده و چرا ؟

ما باین آقا یون عالیجناب میگویییم : آنچه علیه ملل آسیا ، افریقا و امریکا ی لاتین در راه غارت ثروت و هویت مستقل ملی شان انجام داده اید ، تلاشها و افشا گردید . این تنها موردی نیست که در آن چهره حقیقی ایمن ابلیمان انسان نما آشکار می شود ، بلکه کشتن اطفال و زنان ، مردان و پیران مسلمان ما آتش زندهای مکاتب ، مساجد منازل ، شفاخانه ها و کتابخانه ها ، تخریب راه ها و وسایط ترانسپورتی ، باتش کشیدن یا چپاول اموال و امتعه تجارتی از وسایط نقلیه و دوکانها ، تخریب کارخانه ها و کارگاه ها ، تاراج و یاسوختن خندان خرمنها ، از بین بردن مخبرات ، بساج گرفتن ها ، قطاع اطریقی ها ، قطعه قطعه کردن انسانهای زنده گوش بریدن ها ، پوست کشیدن ها بردن و شپید ساختن مسلمانان متدین و خدا پرست از بین مساجد از نماز تراویح و حتی از جریان ختم قرآن عظیم ایشان و ... و .. همه و همه موارد یست که چهره های واقعی این ملعونان را نمایان را افشا ساختن است . مردم ما این چهره های پلید را با سوا بق شان خوب می شناسند .

آیا با این چهره های کثیف و جنین جنایات شرم آور ضد بشریت ، باز هم می توانند ادعا ی «جهاد در راه اسلام» یا «دفاع از حقوق بشر» را توجیه نمایند ؟

آیا ازین کار تر ها و تهدید مداوم صلح جهانی و تها می ارضی کشورها ، جنگ افروزی بیها و صدور حکم فناو نابودی ملت مسلمان و عدالت پسند فلسطین را بکدام اصل انسانی و اسلامی توجیه کرده میتوانید ؟

بگذارید از سادات ها و ضیا الحق ها ، این منافقین مسلمان نما پر شش بعمل آوریم .

عالیجناب سادات ! زمانیکه حلقه بندگی سی آی ای را بگوشه آویختن مسلمانیت کجا بود ؟

قرار داشتند اعمال می گردید . این قشر مزدور رجا له های سیاست پیشه و فروخته شده را نیز در بر داشت . تسلط این اقشار مزدور و وابسته به طبقات حاکم در طول زمان منجر به رویش جوانه های نوعی بورژوازی بوروکراتیک در کشور گردید که حزب ، این قشر را در ادبیات خود بنام بوروکرات های بزرگ یاد نموده است . حاکمیت طبقات حاکم و اعمال این حاکمیت بوسیله خاندان نادری و پیدایش رجا له های مزدور به آنان نتایج دیگری را در زمینه نظام دولتی نیز پدید آورد ، از قبیل تزیید تحجیم دستگاه اداری ، افزایش نسبی کارمندان دولتی ، رشد بی مورد موسسات در شکل تضاعف خدمات مقررات کهنه متعدد و پیچیده ، روش های فرتوت اداری از جمله فساد بوروکراتیک افزایش امتیازات کارمندان اداری و نظامی ، مشکلات استخدام افزایش بیهم بودجه های مصرفی و غیره .

(ادامه دارد .)

جوانان فریب خوردن ما بحق یق پی بردند ، دشمنان باروش غیر انسانی خود دست به مسموم ساختن جوانان و اطفال ما زد و باینتر تیب خواست از آنها انتقام بکشند یا اینکه از این راه دروازه های مکتب و پوختن را مسدود سازد . بازهم بازنده دشمن بود ، زیرا ما هیت جنایتکارانه او از عقب ماسک «دفاع از اسلام» و «دفاع از حقوق بشر» نمایان و افشا گردید .

این تنها موردی نیست که در آن چهره حقیقی ایمن ابلیمان انسان نما آشکار می شود ، بلکه کشتن اطفال و زنان ، مردان و پیران مسلمان ما آتش زندهای مکاتب ، مساجد منازل ، شفاخانه ها و کتابخانه ها ، تخریب راه ها و وسایط ترانسپورتی ، باتش کشیدن یا چپاول اموال و امتعه تجارتی از وسایط نقلیه و دوکانها ، تخریب کارخانه ها و کارگاه ها ، تاراج و یاسوختن خندان خرمنها ، از بین بردن مخبرات ، بساج گرفتن ها ، قطاع اطریقی ها ، قطعه قطعه کردن انسانهای زنده گوش بریدن ها ، پوست کشیدن ها بردن و شپید ساختن مسلمانان متدین و خدا پرست از بین مساجد از نماز تراویح و حتی از جریان ختم قرآن عظیم ایشان و ... و .. همه و همه موارد یست که چهره های واقعی این ملعونان را نمایان را افشا ساختن است . مردم ما این چهره های پلید را با سوا بق شان خوب می شناسند .

آیا با این چهره های کثیف و جنین جنایات شرم آور ضد بشریت ، باز هم می توانند ادعا ی «جهاد در راه اسلام» یا «دفاع از حقوق بشر» را توجیه نمایند ؟

آیا ازین کار تر ها و تهدید مداوم صلح جهانی و تها می ارضی کشورها ، جنگ افروزی بیها و صدور حکم فناو نابودی ملت مسلمان و عدالت پسند فلسطین را بکدام اصل انسانی و اسلامی توجیه کرده میتوانید ؟

بگذارید از سادات ها و ضیا الحق ها ، این منافقین مسلمان نما پر شش بعمل آوریم .

ما با نقش بر آب ساختن تو طنه بزرگ و عمیقایان شده ارتجاع و امپریالیزم در سه و چهار حوت ۱۳۵۸ ضربه دندان شکنی بر پوزه این خفاشان وارد آوردیم . نقش فعال و انقلابی اعضا حزب ، سازمانهای دموکراتیک و خاندانی ، موضوع استوار قوای مسلح انقلابی و همکاری وسیع مردم وطن پرست مائیکه گاه وسیع انقلاب ما را نمایان ساخت . ارتجاع امپریالیستی درین پلان شوم خود هر دو جانب قضیه را در نظر گرفته بود : یک جانب قضیه روی ایمن دیدگاه غلط او بنا یافته بود که گویا دولت انقلابی ما فاقد هرگونه تکیه گاه است و امیدوار بود با این تو طنه آنرا سقوط دهد و یا متلاشی سازد . جانب دیگر آنرا چنین نتیجه بود که حتی در صورت ناکامی تو طنه باز هم جوی خون براه خواهد افتاد آنهم از اطفال و مردم بیگانه که بزور اسلحه و تهدید از خانه های شان کشیده شده و در پیشاپیش دسته های مزدور جنايتكار حرکت داده می شدند و باین صورت بین دولت و مردم فاصله ایجاد کند . ولی دشمن کور خوانده بود قوای امنیتی و دسته های متشکل و آگاه حزب و جوانان شجاع ما با خونسردی و هوشیاری انقلابی بی نظیر ، این تو طنه شوم را چنان خنثی کردند که دشمن به هیچکدام از مقاصد ناپاک خود دست نیافت و بالعکس باعث بهم فشردگی و نزدیکی بیشتر دولت انقلابی با هموطنان نجیب و شرافتمند ما گردید . در مرحله بعدی دشمنان کوشید از یکده معدود جوانان معارف ما برای ایجاد بی نظمی استفاده برد . وقتی این تلاش هج ناکام گردید و

ولی حتی تا قبل از پیدایش چنین نظامی ، تلاش برای خود سازی باید انجام گیرد این تلاش از دورا و نمربخش است :

بقیه در صفحه ۲۴

نمی فهمد و خاطرش معطوف همان «خور و خواب و خشم و شهوت» جامعه های مصرفی بورژوازی است . باید این نوع انتقادگران را مایوس کرد و گفت بحثی که اندیشه مترقی در مورد ماهیت انسان و تکوین شخصیت وی میکند از جهت عمق در تاریخ فلسفه بی سابقه است . اینک این سوال پیش می آید : «آیا یک فرد انقلابی برای تکامل و بهسازی شخصیت خود چه کند ؟» ابتدا باید گفت که بنا به شیوه عینی گرایانندیشه مترقی ، ما هرگونه شعبده بازی های فروید یستی و روش های امریکایی اجرا «تمرین های مختلف» بهسازی شخصیت را امور میان تهی میدانیم و بر آیم که وظیفه انسان زحمتکش در درجه اول و مقدم بر همه از میان برداشتن استعمار و استثمار و فقر قلمسی و نژادی و شیوه تفکر غیر علمی و ضد منطقی از طریق مبارزه متشکل انقلابی است . زیرا تا این سنگهای دوزخی دامنگیر انسان است ، پرشی افلاکی او میسر نیست . «طیران آدمیت» که سعدی از آن سخن میگوید ، فقط زمانی این سنگهای جهمی را از دامن فرو ریزد . تنها در آن صورت شرط برای تکوین شخصیت تا حدی که کار به «تجلی حقیر» نکشد ، بلکه احساس عمیق رضامندی و آرامش و جدان ایجاد کند ، پدید میشود .

بقیه در صفحه ۲۴

شاید از مجال و حوصله یک مقاله خارج است ما برای جلب توجه آموزندگان اندیشه مترقی آوردیم و برای تفصیل بیشتر ، آنها را به صفحات یکصد و چهل و شش تا یکصد و چهل و نو کتاب پر مغز پروفسور او لیا نفسکی («مسایل معاصر آسیا و افریقا») حواله میدهم . در عین حال این یادآوری ما را بیشتر متوجه یک سخن دیگر بنیادگذار اندیشه مترقی میکند که گفت انسان دارای یک ماهیت مجرد و یکبار برای همیشه نیست ، بلکه ماهیت انسان مجموعه روابط و مناسبات اجتماعی دوران اوست ، لذا ما بین تکوین شخصیت از سویی و شرایط زمانی و مکانی زندگی انسانی از سویی دیگر رابطه مستقیم برقرار است و چنان نیست که انسان دارای یک سلسله خصایص لا یتغیر باشد .

بقیه در صفحه ۲۴

بنیادگذار اندیشه مترقی ، در هم شکستن ماشین بروکراتیک و نظامی دولتی و تعویض آن به سیستم دولتی نوین را ، شرط مقدماتی هر انقلاب مردمی واقعی در قاره (در اروپا مستثنی از انگلیستان در آلمان) تلقی می نمود . درین تذکر ، به گفته رهبر کارگران جهان دو نکته عمده وجود دارد . اولاً اینکه حکم «انهدام ماشین دولتی حاضر آماده» محدود می شود به قاره و ثانیاً اینکه ، شرط مقدماتی هر انقلاب مردمی واقعی ، دانسته شده ، لاغیر .

بنابراین ضرورت است تصریح شود که تحلیل مرحله عینی انقلاب و چگونگی آن ، که مشمول واقعیات نظیر سطح رشد نیروهای مولده ، تناسب طبقاتی ، مناسبات اقتصادی و عوامل ذهنی است به ما اجازه می دهد که در انقلابات ملی - دموکراتیک با دقت بیشتر برخورد نمایم .

این شرط مقدماتی در «انقلابات مردمی واقعی» طرح است و هدف از این انقلابات ، انقلاب های پست که در مرحله گذار به جامعه نوین توده های خلق در انقلاب بطور فعال مستقل و با خواست های اقتصادی و سیاسی مشخص برآمد مشهور ردارند . شاید سوال شود که چرا

بنیادگذار اندیشه مترقی در آثار خود (مانند «سرمایه» و «یادداشت های اقتصادی») «تکوین شخصیت» را مطرح میکند و از یک «حرکت مطلق بسوی شکل پذیری» شخصیت انسانی سخن میگوید . این حرکت ، از جهت تاریخی مطلق است ولی در دورانهای مختلف تاریخی نسبی است و سرنوشته های مختلف دارد . مثلاً بنیادگذار اندیشه مترقی بر آنست که جهان باستانی رم و یونان ، در قیاس با جهان سرمایه داری عصر ما ، در تمام آن جهانی که برای یافتن چهره کامل شخصیت انسانی و حدود مشخص آن تلاش می کرده ، موفق تر بوده و می توانسته تا حد معینی ما به «ارضای معنوی» شود و عطش کمال طلبی انسان را در اشکال معینی از شخصیت فرد بنشانند و حال آنکه جهان معاصر قادر نیست این «ارضای معنوی» را پدید آورد و تب و تاب و جستجو و دغدغه درونی انسان ادامه می یابد و اگر جای هم باشد که بنظر می رسد بورژوازی توانسته است تکوین شخصیت را بشکسل رضایت بخشی پدید آورد ، به سخن وی این تنها یک تجلی محقر و مبتذل است .

بقیه در صفحه ۲۴

بنیادگذار اندیشه مترقی در «سرمایه» یاد آور میشود که بنیادگذاران فکری اولیه نظام بورژوازی ، خود با کوته بینی ها و سودورزی ها و خودخواهیها و ویژگی نظام سرمایه داری موافق نبوده اند ، ولی علی رغم آنها ، نظامی که پدید آمد به سطره پول و سود و معاملات بازرگانی و مرکزیت ثروت و خود خوری ناشی از این مقولات میدان داد و جای برای یک

محترم محمد ابراهیم محصل صنف سوم پوهنتون کابل و عضو سازمان اولیه آن پوهنخی طی نامه یی به ((حقیقت انقلاب نور)) نوشته است : نشر جریده «حقیقت انقلاب نور» از گان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با استقبال زیاد رفقای حزبی و دوستان حزب و دولت مواجه شده است .

بدون تردید ((حقیقت انقلاب نور)) در بلند بردن سطح دانش و آگاهی رزمندگان حزب و علاقه مندان آن ، هم زمان با دیگر نشرات حزبی و دولتی با پخش مسایل تیوریک و علمی ، رسالت تاریخی خویش را انجام خواهد داد .

ازین دوست گرامی خود تشکر نموده منتظر نامه های بعدی شان میباشیم . همچنان نامه یی در یافت داشته ایم از میر عیسی سر باز غند ۶۵ قوای غزنی که طی آن هم مسلکان و هموطنان خویش را مخاطب قرار داده میتوبند :

بقیه در صفحه ۲۴

بقیه در صفحه ۲۴

بقیه در صفحه ۲۴

بقیه در صفحه ۲۴

تغییر نظام دولتی

انقلابات ملی - دموکراتیک و دولت :

(قسمت دوم)

متشکل نشده است .

اما قابل تذکر است که انقلابات ملی - دموکراتیک بخصوص انقلابات که نقش زحمتکشان در آن چشمگیر تر است ، حاکمیت سیاسی نوینی را استقرار می بخشد که بتدریج به نوع تاریخی جدید دولت تحول مییابد . یعنی مساله «عدم انهدام فوری» ارگان های دولتی گذشته به معنی تکمیل ماشین کهن دولتی نبوده ، بلکه این گفته به این معنی است که همروند بسا تعمیق سمت گیری مترقی و ژرفای تحولات انقلابی ، دگرگونی نظام دولتی به تدریج عملی می شود نه یکباره مانند «انقلابات مردمی واقعی» .

نتیجه منطقی این بیان ، مردمی کردن دولت در برهه زمانی معین میباشد که به بدینگونه مکانیزم دولتی کهن به سیستم جدید اداره دولتی تعویض می گردد و گام به گام در یک پروسه تدریجی عناصر نوین مردمی بسا ماهیت نوین در دولت وارد می گردد .

بقیه در صفحه ۲۴

بقیه در صفحه ۲۴

بقیه در صفحه ۲۴

بقیه در صفحه ۲۴

نمی توان در هم شکستادن دولت و بالتجیه ایجاد نوع تاریخی جدید دولت را همیشه هر کجا و بلا استثناء طرح کرد ؟ بخاطر یک طرح مساله بسته به تضاعف اشکالها و تضاد های طبقاتی متشکل طبقه کارگر و زحمتکشان و آگاهی آنان و تمایلات عمومی جامعه است . یعنی مجموعه زمینه های عینی و ذهنی ضرورت لازم است تا بتوان چنین مساله را طرح کرد .

درخواست اجباری پروگرام انقلاب سوسیالیستی از انقلاب ملی - دموکراتیک ذهن گرای و غلطیدن به گرداب و لولتاریزم و ماجراجویی است و بقول رهبر کارگران جهان طرح نیمه انارشیستی است .

بقیه در صفحه ۲۴

بقیه در صفحه ۲۴

بقیه در صفحه ۲۴

بقیه در صفحه ۲۴

نامه های مردم

محترم محمد ابراهیم محصل صنف سوم پوهنتون کابل و عضو سازمان اولیه آن پوهنخی طی نامه یی به ((حقیقت انقلاب نور)) نوشته است : نشر جریده «حقیقت انقلاب نور» از گان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با استقبال زیاد رفقای حزبی و دوستان حزب و دولت مواجه شده است .

بقیه در صفحه ۲۴

بقیه در صفحه ۲۴

بقیه در صفحه ۲۴

بقیه در صفحه ۲۴

سرور جويا: شیر مردی که بخاطر توده‌های نوشت

در این روزهای پر ثمر که به شایستگی نویسندگان و شاعران ارج گذاشته میشود، بیجا نیست از «سرور جويا» این بار توده‌های زحمتکش بادی نمایم.

سرور جويا یکی از قلمزنان وسخنورانی است که ذکر نامش در دوران سیادت رژیم‌های قبل از انقلاب گناهی بزرگ به شمار می‌رفت.

جويا در سال ۱۲۷۷ در کابل تولد شد و سپس از آموزش منبای دانشهای مروج زمانش کار اداری را از پدرش که سرشته دار دفتر سنجش افغانستان بود، آموخت در سال ۱۲۹۸ به همراهی پدرش به محاذ سپین بولدک قندهار شتافت و او خامه رابر زمین نهاد و شمشر را بر کف گرفت و به دفاع از ناموس وطن پرداخت جويا تا سال ۱۳۰۱ در قندهار ماند و هنگامیکه به زادگاهش برگشت و در شمار منشیان اما ناله خان درآمد.

«فریاد» و «اتفاق اسلام» در روزگاران نگارندگی او جریده بی است با محتوای انسانی که آزاد یخواهی در سر لوحه آرمانهای آن قرار دارد.



سرور جويا نویسنده و شهید راه آزادی

بالاخره زمانی در ظلمت شب از دست دژ خیماں قدر نشاس مجروح گردید اما جويا از همان شفاخانه پیاپی مش را در «اتفاق اسلام» چاپ کرد و نوشت: سرور اگر کشته شود از حنجره بی سراو، نداهای ترقی افغانستان به آواز بلندتر نم خواهد شد.

ولی جويا از شور و شمر دست برد نداشت تا اینکه در سنبله ۱۳۱۲ فرمان دادند که جويا را بگیرند و جويا را گرفتند و شش میله هسای زندان انداختند.

چهارده سال زندان کوچکترین تأثیر منفی بر اندیشه هسای انقلابی او نگذاشت.

جويا در سال ۱۳۳۰ با ۱۶ تن دیگر از روشنفکران به زندان افتاد و تا پایان زندگی در سلولهای مجلس سلاله نادر ی بایرون نگذاشت.

خون نا حق دست از دامن قاتل برنداشت

دیده باشی لکه های دامن قصاب را

رفیق منگل عضو کمیته مرکزی و مسئول سازمانهای اجتماعی ضمن ایراد بیانیه اساسی کنگره موسس نویسندگان و شعرا ج.د.ا. ابراز داشت:

امروز روز فرخنده و فراوانی نیست در حیات فرهنگی مردم زحمتکش و قهرمان افغانستان، در تاریخ باستان و پرغنائی ادبیات میهن بسیار گرامی ما اولین بار است که سخنوران و نویسندگان کشور در اولین کنگره خود جمع آمده اند تا اتحادیه داوطلبانه خلاق و دموکراتیک نویسندگان کشور را ایجاد نمایند، این پدیده تاریخی تنها در نتیجه پیروزی انقلاب ثور بخصوص در حله نوین تکاملی آن امکان پذیر گردیده است.

انقلاب سوال اساسی را برای هر يك از نویسندگان مطرح نمود...

محک قضاوت در مورد شخصیت هر نویسنده و شاعر امروزی موضوعی است او در برابر انقلاب و ضد انقلاب میباشد، مایه خوشنویسیست که اکثر نویسندگان افغانستان امروز در صفوف

اول سنگرهای انقلاب قرار دارند و همراه با مردم و حزب خود کار و بیکار می کنند.

آفرینش قهرمانی که زندگی رازبیا می بیند، خون انقلاب در رگها پیش جاری است. به میهن آزاد و سربلند خویش عشق می ورزد و مدافع مطمئن انقلاب است که نویسندگان کنونی ما در شرایط دوران ساز زندگی داریم، همراه بتحولات جامعه انسان نیز تحول می پذیرد. ضرور است تا انسان تحول یافته و نو باشد همه

بزرگی و عظمتش با همه ابعادش به مثابه فرزند انقلاب و قهرمانی مثبت تصویر گردد که در راه خوشبختی و سعادت تمدنی توده های میلیونی زحمتکش را از قفای خویش بخواند...

در هر قدم در هر شهر و در فابریکه و کشتزار در زمینه آموزش و پرورش و امور صحتی همه جا مبارزه برپا می گیرد. این موضوعات برای ترانه ها و سرو د های آینده برای رمانها و قصه های کوتاه و نمایشنامه ها بصورت پایان

نکاتی از بیانیه اساسی کنگره موسس اتحادیه نویسندگان و شاعران ج.د.ا.

ناپذیر مایه میدهد

ادیبان ارجمند!

چنانکه ملاحظه میفرمایید ادبیات ما وظایف بزرگی را عهده دارد به اجرای وظایف مذکور اتحادیه نویسندگان جمهور ی دموکراتیک افغانستان که اکنون بعد از اتحادیه هنر مندان با ابتکار حلقه های وسیع روشنفکران و پشتیبانی کامل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ایجاد میگردد.

وظیفه اتحادیه نویسندگان کمک به هر نویسنده جهت فهم صایب و سالم حقایق زندگی و اندیشه شناخت در مورد پرسه های مهم انقلابی جامعه ما و گذاشتن توانایی های خویش در دسترس استفاده جامعه خواهد بود.

در اتحادیه ما فرمانبری و فرماندهی نخواهد بود، در فضای احترام متقابل و حسن رفاقت خدشه ناپذیر دست در دست هم بسوی آینده تابناکی که انقلاب ثور و مخصوصاً در حله دوم تکاملی آن وعده میدهد گام خواهیم برد.

نویسندگان، شاعر و دودیدگاه

داری همه پدیده ها را از زاویه منفعت نگاه می کنی. گرچه نویسندگان و شاعران دوران انقلاب های بورژوازی ویا انقلاب های بورژوازی دموکراتیک، با ذهنیت متفاوتی، پیامگوی ویا مگزار آزادی، برابری و برابری بود، پسان هاتنا قض درونی نظام سرمایه داری ناشی از آن «بیگانگی هنری»، اکثریت ویا اقل بخش عمده هنر مندان و نویسندگان را به واقع گرایی و انتقاد کشاند و آنان را به سکوی آینده نشاند.

سوال اینجا است که موقعیت نویسندگان و شاعر و بطور کلی هنر و ادبیات از دیدگاه مترقی چگونه است؟

(باقی دارد)

انقلاب

آن یکی آمد زمین را می شگافت

ابله فریاد کرد و بر نتافت

کاین زمین را از چه ویران می کنی

می شگافی و پریشان می کنی

گفت ای ابله برو بر من مران

تو عمارت از خرابی باز دانی

کی شود گلزار و کند مزار این

تا نگردد زشت و ویران این زمین

کی شود بستان و کشت و برگ و بر

تا نگردد نظم او زیر و زبر

تا نکوبی گنم اندر آسیا

کی شود آراسته زان خوان ما

پاره پاره کرد درزی جامه را

کس زند آن درزی علامه را؟

که چرا این اطلس بگزیده را

بر دیدی چه کنم بدرید ه را؟

هر بنای کهنه کا بادیان کنند

نه که اول کهنه را ویران کنند؟

ظاهراً کارتو ویران می کنم

لیک خاری را گلستان می کنم

(مولوی جلال الدین بلخی)

در حاشیه کنگره

خبر نگار «حقیقت انقلاب ثور» ضمن اشتراک در کنگره موسس نویسندگان و شعرا ج.د.ا. با عده یز شاملین کنگره مصاحبه نموده است که متن آن تقدیم میگردد.

از استاد علی اصغر بشیر هروی منجم و نویسنده کشور پرسیده شد تا رسالت نویسندگان و شاعر امروز را در شرایط کنونی کشور توضیح نماید وی گفت:

نویسنده و شاعر امروز، آنچه هست باید همان را در اثر خود نشان دهد و نویسنده و شاعر امروز باید آنچه تمام نمای عصر خود باشد و نظر خود را در مورد تاسیس اتحادیه نویسندگان و شاعران کشور چنین بیان نمود.

تاسیس اتحادیه نویسندگان و شاعران کاریست بسنودمند و فیه از گریه طهوری شاعر جوان سوال شده که بنظر شما نویسنده و شاعر امروز در برابر انقلاب ملی و دموکراتیک ثور چه رسالت دارد در پاسخ گفت:

نویسنده و شاعر امروز رسالتی که در برابر انقلاب شکوهمند ثور دارد، فقط انعکاس دادن حقایق انقلاب ثور است در آثارشان که در جهت حفظ دست آوردهای انقلاب قرار بگیرد.

یونس سرخابی، نظر خود را در مورد نقش اتحادیه نویسندگان و شاعران کشور در حیات ادبی مردم مایان نموده گفت نویسنده و شاعر امروز کشور باید در مورد آنچه می آفریند بالای خود حاکم باشد.

آنها باید در شرایط کنونی رسالت عظیم اثرنا سوانالیستی خود را به خاطر داشته باشند.

او درباره تدویر کنگره نویسندگان و شاعران گفت:

این مربوط به آینده خواهد بود که تا چه حد مورد استقبال جامعه قرار می گیرد اما همین قدر گفته می توانم که این کنگره در تاریخ ادبی کشور بی سابقه بوده است.

(ف.ط. خبرنگار «حقیقت انقلاب ثور»)

نویسندگان و شاعران و طنپوست! تمام نیروی اعجاز انگیز معنوی تا فراصمیمانه در خدمت مردم و انقلاب قرار بدهید

اما علل واقعی دگرگونی های اجتماعی مهم در این بخش از جهان چیست؟

پیدایش سیستم مستعمراتی بی آمد رشد سرما یهداری بود. سیستم اجتماعی مبتنی بر استثمار فرد از فرد به استثمار تمام ملت ها انجامید. در قرن نوزدهم تقسیم جامعه به طبقات ستمبر و ستمگر که مشخصه سیستم بورژوازی در درون یک کشور است به تقریباً تمام جهان سرایت کرد. همه قاره ها قرارگاه مستعمراتی امپریالیسم شد. بنیان گذاران مارکسیسم میان دو روند تاریخی ارتباط برقرار کردند: رها ی طبقه کارگر از ستم بورژوازی از یک سو و مبارزه ملل ستم دیده بر علیه استثمار از سوی دیگر. لنین تأکید می کرد که:

استقرار سوسیالیسم به جای سرمایه داری دوران تاریخی است که «رشته کاملی از جنبش های دموکراتیک و انقلابی و از آن جمله جنبش رهایی بخش ملی در کشور های رشد نیافته عقب ماند و ستم دیده را در بر می گیرد».

در برنام حزب کمونیست اتحاد شوروی آمده است: «امپریالیسم استقلال ملی و آزادی اکثریت خلق ها را پایمال کرده و زنجیر های اسارت استثمار دمدنشا نه را بر پایشان زد لیکن ظهور سوسیالیسم سر آغا زدوزان رهایی خلق های ستم دیده داشت».

در گذشته همه ملت ها، به اراده و عمل کسر د بورژوازی جهانی به برده بدل شدند: امروز به خواست خلق های این کشورها مستعمرات به صورت کشور های مستقلی درآمد. (باقی دارد)

شکست ناپذیری جنبش های رهایی بخش

(قسمت هفتم)

این مقاله تصویری است از و خامت بحران عمو می سیستم سرمایه داری و روند انقلاب در جهان که شامل کلیه جنبش های رهایی بخش و جریانی های گوناگون مبارزه در راه برقراری جامعه نوین فارغ از ستم ملی و اجتماعی می باشد. بورژوازی پونا مارکیستی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی کانیدد دفتر سیاسی نگارنده مضمون نشان میدهد که جنبش های بخش جز لاینفک روند عینی تحول و توالی فورما سوانی های اجتماعی، اقتصادی است و آشکار می سازد که استقرار سوسیالیسم محتوی اساسی همه مبارزات دوران معاصر است.

همزیستی مسالمت آمیز همکاری فعال میان دولت ها و و خامت زدا یی در انطباق با منافع خلق ها و نیز امر ترقی برای همه بشریت است. در این اواخر تلاش های سرسختانه بسیاری صرف این شده است که در رابطه با دگرگونی ها و رویداد های انقلابی در کشورهای جوان رو به رشد. افسانۀ دروغین «دست مسکو» و «دسیسه های کرملین» اشاعه یابد.

صلح و و خامت زدا یی این امکان را برای ملت ها پدید می آورد که تلاش های خود را نه بر مسابقه تسلیحاتی بلکه بر حل مسایل مهم اجتماعی و جهانی که در اوضاع و احوال کنونی دم دم فوریت بیش تری می یابند متمرکز کنند. زندگی دگر باره و دیگر باره می رود درستی این نتیجه گیری کنفرانس ۱۹۷۶ احزاب کارگری در برلین است که سیاست

کنگره های بیست و چهار و بیست و پنج به نحوی زنده گواه بر مبارزه پیگیر و دشوار کمونیست ها و مردم شوروی برای اجرای اصول لنینیستی همزیستی مسالمت آمیز است. سوسیالیسم، طبقه کارگر جهانی و نیرو های رهایی بخش ملی به منزله عاملی قاطع در بازسازی بنیادی کل سیستم روابط بین المللی بر پایه اصول صلح و دموکراسی عمل می کنند.

به ویژه اکنون که تهدید سلاح های هسته ای، که تصور بی آمد های خاجعه باران دشوار است، به بالای معمولی ناشی از جنگ ها افزوده می شود. احزاب کارگری درگیر مبارزه ای بی گیر سرسختانه و مصمم بر علیه جنگ اند.

واقعیت های زمان مائوروی نادرست پیونده ناگزیر میان انقلاب و جنگ را که از سوی ایدئولوژی های ضد ترقی نشر داده می شود رد می کند. در کوبا انقلاب زمانی روی داد که کشور درگیر جنگی خارجی نبود. انقلاب شیلی نیز به همین سان انقلاب اخیر در افغانستان و ایران نیز از ارتباطی با جنگ نداشتند. به خاطر بیاوریم که شعرا رهایی که انقلاب کبیر اکتبر با آن ها پیروز شد، نه تنها سوسیالیستی بلکه صلح طلبانه بودند. نخستین فرمان حکومت شوروی صلح و اصول روابط صلح آمیز میان ملت ها را اعلام می داشت. تنها سوسیالیسم بیانگر نوین روابط بین المللی بود.

با پیروزی انقلاب اکتبر چشم انداز واقعی استقرار روابط صلح آمیز میان دولت ها برای نخستین بار پیش روی بشریت گشوده شد.

بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تأکید کرد که گذار از جنگ سرد به و خامت زدا یی پیش از همه با دگرگونی های ژرف در تناسب نیرو های جهانی به زیان امپریالیسم و امکان آن برای جنگ افروزی در رابطه است. کلیه فعالیت های حزب ها و حکومت شوروی در زمینه سیاست خارجی و برنام صلح

فتنه در خلیج

در همان اوایل ماه اپریل که مجمع انجایر سناتور امریکایی در دسچسج فارس نا کهن سبز بند دهرن بیر بین امور بین المللی معتمد بودند که این طیاره برادر هابری تفریح نیامده اند و کاسه یی زیر نیم کاسه عست . از آن تاریخ ناحال بیشتر از پنج ماه گذشت و ساحل داران خلیج دهرن مدت متوجه بودند که ازدهای نفت خوار ازجانه چینی و لی هرگز به خواب نرفت . درست سیزده روز پیش شفق داغ درحالیکه خلیج آرام ترین سبیده دم خود را آغاز کرده بود و فقط صدای حرکت امواج سکوت را می شکست ناگهان ساحل داران متوجه شدند که تیوپ های چشم های الکترونیک از کشتی های امریکایی به آسمان بلند شد و دو پایه رادار کامپیوتری به چرخ زدن آغاز کرد .

ساعتی بعد غرش گوش خراش فضا را پر کرد و فتنه خلیج دیگر واقعا آغاز گردیده بود . آتشی در گرفت و امپریالیزم شروع به گرم کردن دست های خود نمود حقیقت اینست که نقشه کشان امپریالیست پس از آنکه ملت ایران مجسمه استبداد انسان کش شاه رضا را زمین زد و هیبت کذابی زاندارم منقوی در وجود امپرا طوری خونریز شاهنشاهی در توفان قهر خلق ایران نابود گردید و پس از آنکه خلق های زدمنده عرب دسیسه چینی گارتی رادرمکب دیوید به مثابه زباله متعفن انضواء رسوایی بکلی منفرد و بسی پشت و پناه ساختند ، زیر نقشه خلیج خط تاییدی رسم کردند که اینک ماها بعملی شد .

تعلیل کنندگان سیاست بین المللی می گویند که گروه ضربتی متخصصین فتنه سازی در واشنگتن از تلاطم آبهای خلیج قرار معلوم چهار هدف عمده داشته اند .

۱- اینکه اگر بتوانند با بالا کردن گرد باد جنگ انقلاب اسلامی ضد امپریالیست ایران را به جزای گسختی آن رسانیده و از درون منفرد و پاکله به کله ساختن ارتجاع درونی همسراه زوال وطن گریخته شاه که حالوری پنجه های پامنتظر فرصت ننشسته اند شیطان دیگری را در تهران تاج پوشی نمایند .

۲- دو ملت عراق و ایران را که هر دوی آنها بهانه زنه های سنگین در کفه ضد امپریالیسم بین المللی ترازوی بیلاسی نیروها را در شرق عرب و آسیای غربی یک بغله ساخته اند ضعیف نماید .

۳- به جهان نشان بدهد که تجاوز و اشغال گری اسرائیل تنها منبع تشنج برهم زنده آرامش و انبار باروت در پشت آن شرقیانه نیست و نباید دوام اشغال گری

(بقیه صفحه ۲)

عوامل عینی و ذهنی...

او لسان را به شرکت در مبارزه اجتماعی یعنی تلاش برای بیرون آمدن از دایره تنگ و جود خود و پیوستن سر نو شمت خود با سر نو شمت نوعی مبارزه بالا پیشگر است و روح را تقویت میکند و مغز را بسط میدهد و شخصیت می آفریند .

دو مـا را به خود آموزی و خو یشتن سازی و قبول نظارت جمع و انتقاد جمع بر خود برای شناخت خود و تکمیل معنوی خود .

انسانها همطور کسه «دیگری» را نمیشناسند (زیرا آدمی موجودی است بسیار بفرنج) ، گاه خود را هم نمی شناسند ، تنها در عمل ، آنهم نه در عمل تنگ زندگی خصوصی بلکه در پرا تیک نبردا اجتماعی شخص به عیار خود پی میبرد و حدود واقعی شخصیت انساننی و انقلاب پیش بر خود وی روشن میشود . به این روند خود شناسی ، نظر و انتقاد دیگران ، هر قدر هم تلسخ یا ناروا باشد (البته نقاد باید از تلخی و ناروایی بپرهیزد) کمک میکند .

روند مبارزه علیه نقایص و معایب خود یعنی آنچه که نبرد علیه خود نام دارد ، به منظوری غلبه بر خود و اجرا نظارت بر خویش و نیل به مقام «کف نفس» و خویشمنداری روندی است طولانی و دشوار .

رویدادهای جهان

تحولات اخیر جنگ عراق و ایران

طیارات ایرانی همزمان بر بغداد ، اردبیل و شهر بندری فاو ، حمله کرده اند که در اثر آن ایرانی ها سه طیاره جنگی و چهار هلیکوپتر خود را از دست داده اند . همچنان ، طیارات عراقی چندین حمله را بر مواضع نظامی و اقتصادی در فلرو ایران براه انداختند . در اثر این حملات ، یک پل و یک دیپوی روغنهای ایران در شهر ذوقول تخریب گردیده است .

طیارات عراقی ، یک حمله دیگر را بر تسهیلات ترانسپورتی سوسن جرد و پایگاه نظامی نزدیک ذوقول بعمل آوردند . یک اعلامیه نظامی ایران حاکی است که عساکر عراقی از یک ساحه چهار صد هکتار کیلو متری عقب زده شده اند .

همراه با سید تکلیف امریکایی تخته داد ، بر تعداد جہازات از جمله جہازات طیاره برادر خود افزود و مقدمات مرحله هولنکی را ندارد دید و آن اینکه آنچه را از جنگ بظاهر خود بخود دو ملت برادر حاصل نشد از راه دخالت مستقیم عسکری به بهانه بندش احتمالی تنگ هر م بدست آورد . این خطر ناگزیر مرحله کشمکش است که ستراتیست های واشنگتن با عجله می خواهند پای منطقه را بطرف آن بکشانند .

اینگار بنام دفاع از «مناطق حیاتی» ایالات متحده و متحدین غربی آن صورت میگیرد ، مناطقی که (۱۶) هزار میل از خاک امریکا دور ترست .

با چنین یک تصویر عمومی جنگ خلیج باتمام و کمال ادامه دارد و کشور برادران هم افتاده اند و سینه هم را میشکافند طوری که یک طرف زانگ یعنی همان شیطان بزرگ از آن نفع خواهد برد .

خلیقای انقلابی ، نیرو های صلح و دموکراسی سخت چشم به راه برقراری مجدد صلح ، صلحی عادلانه و واقعی درین بستر جدید تشنج در خلیج اند و انتظاری جز آن ندارند که دو جانب متحارب نیز هارا بزمین فروبرند و آنچه را که امروز نمی توانند حل کنند ، فردا که خشم فروکش گردد حل نمایند ، چنانچه برانگیخته جنگ هرگز به قیمت خونریزی با چنین وسعت ابعاد نمی آزد و اگر تدبیر و هشامیاری معیار قرار بگیرد فهم این مطلب حتی در میدان جنگ هم آسان است که هرگاه تشنج فتنه است در پشت آن دموکراتیک خلق افغانستان ، عضو شورای

چارمین سیمینار آموزگاران گروه های آموزشی سازمانهای حزبی شهر کابل در تالار صحت عامه دایر گردید . هدف از تدویر این سیمینار ، آماده ساختن آموزگاران گروه های سیاسی در ارتباط با مواظبتیوم سوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان برای پیشبرد دروس سیاسی در گروه های تعلیمی حزبی می باشد .

در آغاز این سیمینار برید جنرال محمد رفیع عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، عضو شورای

طرا این محفل ، بعضی از استادان و شاگردان لیسه مذکور در باره اهمیت تاریخی فیصله های پلینوم سوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان توضیحات داده و گفت که اینک همه نیرو های وطنپرست رادر جهت امای کامل دشمنان انقلاب نور آرزو نمودند .

سخنران اعمال خایانه دشمنان انقلاب نور را که بدستور بادران خاین شان در داس امپریالیزم جهانخواه

(بقیه ص ۳)

نکاتی از بیانیه اساسی...

گذشت ، ما وظیفه هستیم که استعداد هارا از افتادن به بی راهه نگاه داریم ، خود ویژگی و نا مکرر بودن آنها را حفظ کنیم ، ما باور داریم که هیچ استعدادی تا هدف بزرگ آنرا سیراب نکند به روشنی نمیرسد و هدف انسانی تر و بزرگتر از سعادت تمدنی انسان جامعه ما وجود ندارد و اتحادیه ما

به گزارش رویتر از قول رادوتیران عساکر ایرانی آماده اند تادر صوت جمله سه جزیره خلیج ، از آن دفاع نمایند .

فرانسپرس گزارش میدهد ، که محمد علی رجایی ، صدراعظم ایران گفته است فرستادن طیارات حامل رادار امریکابه عربستان سعودی حتی در صورتیکه این طیارات وارد عمل نشوند ، خطرانی را متوجه ایران ساخته است .

وی گفت : موجودیت این طیارات در فلرو عربستان سعودی نشان دهنده این حقیقت است که امریکا در بحران خلیج اشتراک می کند . از جانب دیگر آیت الله خمینی رهبر ایران پرور بار دیگر بر فرادی متارکه را با عراق کرده است .

از جانب دیگر ، گوتیش هاسبرای مانیگری بین عراق و ایران ادامه دارد و زورده اند .

مصری ها سادات خاین را محکوم میکنند

نبروهای وطنپرست ملی در داخل جمهریت عربی مصر برای مبارزه علیه سیاست خایانه سادات که مصر را واقعا بیک شریک جنایات اسرائیل تبدیل نموده براه انداخته است .

واشنگتن برای مداخله نظامی در منطقه خلیج آماده گی میگیرد

آژانس تاس گزارش میدهد که جبهه مذکور متذکر شده که ایالات متحده امریکا به بهانه حفظ ذخایر نفتی کشور های عربی بخش قابل ملاحظه قوای بحری خود را در خلیج متمرکز ساخته است .

در بیانیه جبهه دموکراتیک برای آزادی

چارمین سیمینار آموزگاران سازمانهای حزبی

انقلابی وزیر دفاع ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان بیانیه مفصلی در مورد دفاع از دست آورد های انقلاب ثور سرکوب نمودن عناصر ضد انقلاب را در مرحله کنونی به مثابه یکی از مهم ترین وظایف حزب و دولت و جبهه عالی وطنپرستانه تمام اعضای صلی و آزمایه حزب دموکراتیک خلق افغانستان خوانده گفت : وطنمیلین و آموزگاران ملکی و عسکری اعضای حزب است ، ما در روشن ساختن ذهنیت مردم خاصا سربازان اثر نوع سایل دست داشته استفاده نموده در

در اخیر معاون کمیته شهری راجعه به تدریس آموزگاران حزبی شهر کابل توضیحات داد .

توضیحات داد .

۱۵۰۰ خانواده عذاب دیده به خانه هایشان برگشتند

ایشان سلاح های دست داشته خویش را به ولسوالی بادغیس تسلیم نموده به خاطر آرام و مطمئن دهرسار مسالزل خویش گردیدند .

پشتیبانی از مصوبات پلینوم سوم ادامه دارد

محل با صدور قطعنامه ، جبنی بسر آدمی حاضرین در امر تطبیق مصوبات تاریخی سومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان پایان یافت .

فرار باخبر دیگر ، از فیض آباد مرکز ولایت بدخشان شاگردان ، استادان و منسوبین ، لیسه های مرکز عده کثیری از مردم زحمتکش فیض آباد اخیرا طی مردم آبی در لیسه کوچک حمایت و پشتیبانی فاطم خود را از مصوبات

سومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ابراز کرد و آدامی کامل شانرا در جهت تحقق این فیصله وعده دادند .

مطالبی ابراز کردند .

(بقیه ص ۳)



سمبول اتحادیه نویسنده گان و شاعران ج.ا.ا. بقیه صفحه اول

اتحادیه نویسندگان...

مل آقا ، و امف باختری ، باباکوهی ، نصرالله حافظ ، محمدالدین ژواک ، داکتر صادق فطرت ، رهنورد زریاب ، نکبت سعیدی ، داکتر جاوید ، صدیقی روهی داکتر اکرم عثمان ، سیومی زریاب ، کاوون توفانی ، فرید مزدک وعده وسیع دیگر انتخاب شده اند .

ایجاد اتحادیه نویسندگان و شاعران دیگر است در راه همیوستگی مردم ماو گسترش آراء و جبهه ملی بدو وطن .

ط : خبرنگار «حقیقت انقلاب ثور»

پیام به اتحادیه...

عالی ادبی و فعالیت خلا قانه اجتماعی شان را قدر مینماید . تشکیل اتحادیه های روشنفکران این اتحادیه ها مو ظف اند تا تعاضای خود را به حیات اجتماعی ، تطبیق بر نامه های حزب بغاظر اعمار جامعه نوین و تبادل آثار فرهنگی بین خلق های جهان جلب نمایند .

نقش ادبیات در پرورش فکری و زیباشناسی همراه بارشدو پیشرفت کلی جا مه بیشتر میگردد این بدان معنی است که نقش اجتماعی نویسند گان هر چه بیشتر بر جسته میشود .

ما معیار عالی کیفیت آثار ادبیسی را در جهت درست و اصولی آنها و در بختی فکری ، نیز اند یشی و دور اندیشی نظریات نویسنده گان و مهارت عالی تخصصی آنها می بینیم .

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ابراز اطمینان می نمایند که با در نظر داشت معیار های فوق ، ادبیات کثیر الملمنی افغانستان به هر حله نوین خود کا سپای ارزنده یی خواهد گذاشت و نظایف بر مسؤولیتی را که انقلاب نور بدوش آن گذاشته است به

به آرزوی موفقیت های بزرگ شما ادیبان ، شاعران و نویسندگان هنرمند .

(بزرگ کارمل)

منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان .

(بقیه ص اول)

جوانان سالند نیست . در ماناکو بر گزار شد در قطعنامه یی که پس از دو روز مذاکرات آنها تصویب گردید انجام هر اقدام ممکن را برای تقویت جبهه ملی آزادی ساند نیست وعده دادند .

تکرار هیات اجراییه جدید سازمان جوانان برهبری مانول هریراعفو شورای جمهریت نیکاراکوا انتخاب نمود .

زیر نظر هیات تحریر مدیرمسئول - محمود بریالی آدرس - قصر ستوری تلفون - ۲۰۸۴۰

مطبوعه دولتی